

هفته پیش، مجلس شورای اسلامی توسط حال فعالیت خود را آغاز کرد. مجلس، مخصوص ایجاد جمهوری اسلامی ایران است که در تشکیک و تحکیم انقلاب و گسترش آن، بخش عمیق گشادهای برآمده دارد. از اینرو یکی از کارهای اصلی مردم سرکوت ساز ما طرفداران تشکیک و تعمیق انقلاب و طرفداران خط ساری و تسلیم انقلاب به امپریالیسم است.

مطالعه، دسیسوی مملکتگرد ۲ ساله مجلس نشان می دهد که علیرغم ضروریهای بزرگی که با سرکوتی دولت لبرال بازرگان و عول غنی صدر و درهم نگیستن سرکای آن، مصب انقلاب و سروان اصل عطاام شد، خط طرفداری از بریامعداری که خط ساری با امپریالیسم است و اکنون لباس "انلام خواهی" برین دارد، همچنان بزرگترین مانع در راه مصوب قوانین بنیادی شود محرومان است. همس مطالعه دشواریها و غرنجی های را که انقلاب در راه بخرت با آن روبرو است، نشان می دهد.

امام خمینی نیز بهام همم جرداد ماه ۵۹، مساحت اصباح اولس دوره ساندگی مجلس شورای اسلامی خطاب به نمایندگان مجلس خاطر ساین حاضر بودید که:

"امید آن است که رسیدگی به حال مستضعفین و مستندان کشور که قسمت اعظم ملت مظلوم ما را دربرمی گیرد در اس برنامها قرار گیرد" و امروده بودند: "بمضمیمت و دولت مستخبت شما با ملت مستضعف که برکت انقلابش همه ما را از انروا خارج نمود چه خواهید کرد."

کارنامه دو ساله مجلس شورای اسلامی نشان می دهد که مجلس در اجرای این رهسود، علیرغم فرمان تاریخی جودهم مهرماه ۱۳۶۰ اصمام خمینی که بر پایه آن اکثریت مجلس در نسیمی ضرورت و مصوب قوانین ضروری بر پایه عناوس ثانویه دارای اخبار شناخته شد، متاسفانه کارنامه درحشایی ندارد. راحت است که از ما نزدیک به ۱۵۰ طرح و لایحه های که در فاصله دو سال در مجلس به مصوب رسید، تنها معدودی از آن که کمتر از اگشتان یکدست است، خوانشی بوده است که در شمار اقدامات بنیادی شود مردم محروم می توان بخت آورد. باره این گونه قوانین سر همواره از سوی اکثریت شورای نگهبان (ذبح شرعی) شده و زیر عنوان عدم انطاق یا موارس شرعی بحال تعلق درآمده است که تازه ترین نمونه آن، قانون ملی کردن بازرگانی خارجی است که از سوی اکثریت

شورای نگهبان در اساسی ترین مصلحت آن مردود اعلام شده است. برای درک دشواریهای مجلس در تصویب طرحها و لوایح بود. نودهای مجلسی رحمتکنان شهروستا. سخنان حجتالاسلام خوئیها. نایب رئیس مجلس که در شمار جمعه آخرین هفته فروردین ماه ۶۱ در قزوین آزاد شد. سار گویات:

پس از شکست دو جریان لبرالسم غریبی و ماضین، جریان سوم که همان طبقه مرفه و صاحبان بروسهای کلان و با مشروع هستند (به میدان آمدند). اینها همان ارگانهای محکم گیری و بویژه مجلس شورای اسلامی اضافه و در برابر فرصتی که جهت ماضین محرومین و طبقه مرفه گرفته می شود، اعتراض کرده و می گویند مجلس در پی تصویب قوانین سوسیالیسم پیشد است. باید این جریان را همانند دو جریان دیگر درهم شکست.

اکنون آشکار است که مجلس برای پیاده کردن سخت گیری استقلال طلبانه آزادمنشانه و عدالت خواهانه قانون اساسی با سارزه حادی در درون خود فرگشت است که ادامه و بازتاب سارزه است که در درون جامعه جریان دارد. نامه آیت الله گلپایگانی به مجلس و پاسخ مجلس به آن - استادی که در ایجاد تاریخی دارای اهمیت است - دو خطی را منحص می کند که مرجع هر یک در ایجاد انقلاب بزرگ مردم ایران سرخوش سار است. خط تنبیه و تمسح انقلاب در اساسی عدالت طلبی و مردمی آن که "از حقوق محرومان و ستمدیدگان دفاع می کند" و خط طارش و شکست انقلاب، خطی که بر سر پرچم "اعلام خواهی" دفاع از سرمایه داری برجاسته و عملاً از مبارزگی کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان جانبداری می کند.

نامه آیت الله گلپایگانی به مجلس، خط اخیر را اینکه معرفی می کند: ... با ارائه راههای سوسیالیست پسند ... می خواهند با خلاصه شدن بعد سیاسی انقلاب در یک اسرائیلیسم امریکا، سوسیالیسم و حامیان آنرا از تعرض محروم دارند و آنان را دلسوز و اخلاقی شان دهند و در نتیجه هر چه نتوانند با او در صف کشورهای وابسته به روسیه قرار دهند با حداقل مرتبط با آنها بزنند.

... اما اینکه مثلاً بزرگان خارجی را در اختیار بگیرند یا امور بهداشتی و آموزشی و تربیتی را دولتی کنند و یا سرمایه تمل و کسب و کشاورزی را در یک سرور خاص منحص نمایند، مثلاً در بخش تعاونی انتقال ترکه میت را به وارث منوع کنند و با اراضی را بطور متاع به کشاورزان بدهند و بخواهند در امر مسکن بگویند هر کس باید خانه ملکی داشته باشد و هر راجع باید مالک زمین باشد و اعاره زمین اجتناب است و در زمین باشد. به اینصورت که دیگران را ملزم بفرش نمایند یا بگویند قطعاً بطور ضرورت مسکن و آبگرمه مواردی اصلاً می خواهم مطالعه روی زمین و ابزار تولید ننمود. و اصله نمایند. اینکه این نظامات دیگری است که با احکام اولیه و ثانویه ارتباط ندارد. این مسائل مربوط به شی نظامی است که هم اکنون در برخی کشورهای دنیا بطور حقیقی با مضمونی منقول است.

و این پاسخ مجلس به نامه آیت الله گلپایگانی نیرومندی را که در این خط علیه اعلان دست در کار نوظنه و دشمنی اند چنین توصیف می نماید: "ماضین تا کجای سرمایه داری از احکام اسلام و دفاع از حقوق محرومان و ستمدیدگان از سوی مجلس، اعلام می داریم ... لازم می دانیم از جناح سوم سر نام بریم. جناحی که با اعمال شیوههای بروراء در مس حال که جاری مهم برای انقلاب اسلامی به حساب می آید هنوز مانند دو جناح دیگر بمانده نیست. مراد جناحی است که در رژیم سابق بر خود را از امتیازات فراوان مادی و اجتماعی برده است و امروز که به سمت رهبری اسلامی و به ترک خون شهدای اسلام، آن رژیم فرو آمده است. این جناح همچنان درصدد حفظ ماضین و نگاهداری از امتیازات قبلی است و بزرگترین سگر این جناح، صاحبان اندیشه های هستند که هر چند ممکن است بگویند بدانند مانند ولی به ملت نا آگاهی از وضعیت اجتماعی و اوضاع و احوال جهانی تحت تاثر القابات ظاهر فریب صاحبان ماضین مادی نامشروع برار می گردند. اینان می گویند ما مسقم، با از طریق افراد ساده دل، حتی آدهان بسیاری از بزرگان را نسبت به جمهوری اسلامی و عدالت خواهان را ضعیف اسلام بدین کنند.

اینان مدعی هستند که کار انقلاب با واژگونی رژیم فاسد و تبدیل وجه سیاسی نظام به پایان رسیده است و نباید دست به ترک و امتیازات تلخی که میراث نوم رژیم پیشین است زد.

به این ترتیب آشکار است که سارزه بر برجست. امروز هر کس کسی بوسند است که احکام یک رشته اقدامات بنادین بود محرومان، حتی ماضین عدالت اجتماعی تا چه پایه برای درهم شکستن حربه متحد عدت انقلاب سرگردگی امریکا ضرورت حیاتی دارد. همچنین تا گفته پیداست که احکام حسن اقداماتی چگونه با دلگرمی حاجتی نوده های دهها مسول رحمتکنان شهر و روستا که امام آنا ترا صاحبان اصلی انقلاب، می نمایند موجب حکم هر چه بیشتر جمهوری اسلامی ایران را مراض می آورد و امر دفاع نوده های مسولین محرومان را از انقلاب اخذ شده اندیر و استوار می یابد. آنجا که رئیس جمهوری بدستی خاطر نشان ماضین است:

یکی از بزرگترین انگیزه های شروع این انقلاب رفع بی عدالتی های رژیم طاغوت و ایجاد عدالت اسلامی در میان طبقات مختلف کشور بود.

آنگار پیداست که پیاده کردن سخت گیری استقلال طلبانه، آزادمنشانه و عدالت خواهانه قانون اساسی، بکار حاد سیاسی و طبقاتی را، با دانه

قرچه گسترده‌تری بدستور روز انقلاب بدل ساخته و می‌سازد. در این
بیتار بدون آنکه از مرنجی‌ها و دسوازی‌های اس سارره درگذریم، فلسه
بر تردیدها و ترلرل‌های احلاب شگانه، شرط ضروری است. و از آن ضروری‌تر
شخصی باعین حسبه‌ها و خط‌ها، انتحاب حسبه و سرود قاطع و سازش
ناید برها مخالفان بهشرف و نکوفایی جمهوری اسلامی است.

اس تمامی نیست که تحت‌الاحلام رسانحانی در حوسن بالسرور
فالیت مجلس، از اسام خصیسی می‌خواهد که برای رفع اسباب موجود
زاهنگانی ساعد و اطهار می‌دارد:

" برای تعدیل حقوق‌ها و گرفتن مطالب از ظلمه و دادن آن به مظلوم
مبارهای روشنی وجود ندارد و ما در مدت کار مجلس همواره با این
مسکلات مواجه بودیم.

دشمنان خط‌ضداسمرالستی و مردمی اسام خصیسی، کارآترس عرب
خود را با همس نازوشی‌ها و شافعات صفل می‌دهند. دشمنی کور با
کورهای حوسالیسی و با سروان اصل حوسالسم علی، که رسا در
جمهوری اسلامی ایران اسامه داده می‌تود، امروز همون حسم اسفندبار.
سن از هرروایی آماج آساید بریست که دشمنان جمهوری اسلامی ایران
آزنا نشانه گرفتند.

دشمنان حکم و نکوفایی جمهوری اسلامی ایران، زیر پرچم احلام
خواهی، با احلاب ناساز، سبت و اسرا علیه حدی‌ترس سروان خط‌امام
حوسمی سازند و تاج شرف احلاب می‌نهند. به گنجه محسوربر:

هرگاه که می‌خواهیم به فتح محرومان گام برداریم بگ عده می‌گویند
این کموسیزم است.
در حالیکه هساطور که آفای کروی در یکی از حلساب علی مجلس
حاطرسان ساحت:

" امریکا طبق عادت همسنگی‌اش در بلاش است هراسلایی را برچسب
مارکسیستی بزود یا گویند سلا " کموسیسها با بودمانها در احلاب نفوذ
کردماند. امریکا این موضفگیری را بهاسر ما هسب گنجد ویلندشهر همه
دسیا دانسه است.

مجلس در حوسن سال حباب خود آسنتی سارره، حاد سرجونت‌سازی
لس. درست است که سرجونت نهایی این سارره را بودمانهای سلسوی
مردم رقم می‌زنند لیکن ساید از حاطر سرجیم که رماحیکه مردم، رهبران خود
را انتحاب کردند سگان ساررات در دست آنان قرار می‌گردد.

مشولت عظیم اکثریت خاندگان مجلس در هسب حقیقت سبفاسانت.
احلاب برای سروروی تنها یک راه می‌شاید. سارره متحد و بدون ترلرل
علیه حسبه سجد سداخلاب سرگردگی امریکا برای تاسس همه‌حاطسه
اسقلال، آزادی و عدالت احصامی.

آزادی فعالیت سیاسی احزاب و سازمانهای مدافع انقلاب همچنان در عمل نادیده گرفته می شود.

وزیر کشور، حجت الاسلام ناطق نوری در گفتگویی با روزنامه اطلاعات، چهارشنبه ۱۲ خردادماه، در پاسخ به این سوال که آیین نامه های فعالیت احزاب و گروههای سیاسی در چه مرحله ایست، اظهار داشت:

"قانون احزاب و گروهها را ماهها قبل مجلس تصویب کرد... و ندوین آیین نامه اش را بعهدہ وزارت کشور گذاشتند و وزارت کشور نیز پیش نویس آیین نامه اجرایی را تهیه کرد و تقدیم هیات دولت کرد و طبق معمول و روال عادی هیات دولت هم به کمیسیون دفاع سیاسی، بعد از بحث و بررسی ها مورد تصویب قرار گرفت و تقدیم هیات دولت شد..."

اینک این سوال پیش می آید که چرا تصویب "آیین نامه اجرایی" این همه بطول انجامیده است و در شرایطی که این "آیین نامه" هنوز تصویب نشده است، تکلیف احزاب و سازمانهای سیاسی مدافع انقلاب که آزادی فعالیت آنها در قانون اساسی تصریح شده است ولیکن اکنون در حالت تعلیق بسر می برند، چیست؟ مطابق اظهارات وزیر کشور تا تصویب "آیین نامه اجرایی... اعلامیه ده ماده ای دادستانی انقلاب همچنان سد رسمی ناظر بر فعالیت قانونی احزاب است. وزیر کشور در بخشی از گفتگوی خود در اینباره اظهار داشت:

"این مقررات را دادستانی انقلاب در شرایط انقلاب ندوین کردند و اعلام کردند و قانونی هم بود و هست."

واقعیت نشان می دهد که این گفته وزیر کشور تاکنون در عمل مصداق پیدا کرده است و احزاب و سازمانهایی که آزادی آنها در قانون اساسی تصریح شده و نحوه فعالیت آنها را اعلامیه ده ماده ای دادستانی انقلاب مسدود کرده است بطور غیرقانونی در حالت تعلیق نگه داشته شد و انواع فشارها و تضییقات در مورد آنها اعمال می گردد.

بقامت جمهوری اسلامی ایران تاکنون بارها بر ضرورت اجراء قانون و رعایت حقوق و آزادی های سیاسی مصرح در قانون اساسی تاکید گردید. امام خمینی رهبر انقلاب با توجه جدی به همین مسایل سال ۱۳۶۹ را سال قانون اعلام کرده بودند و درازدییشت ماه همان سال اعلام کردند:

"همه احزاب و گروهها با وقتی با کشور اسلامی جنگ ندارند، در مقابل اسلام قیام مسلحانه نکرده اند، بطور آزادانه عمل می کنند و بطور آزادانه حرفهای خودشان را می زنند."
حجت الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی، در مصاحبه

تولیر یونی ۱۵ بهمن ماه ۱۳۶۰ در همین زمینه اظهار داشت :
" اگر خیال کنیم که با سرکوب حرکت‌های سیاسی می‌توانیم برسیم به آن نقطه مطلوب این نمی‌شود. باید محیط آزاد باشد، باید بتوانند افراد افکارشان را بگویند. باید بتوانند گروه تشکیل بدهند. باید بتوانند گلوب داشته باشند روزنامه داشته باشند، حرفهایشان را بیایند بزنند، اینها باید باشد. در چنین محیطی رشد می‌کند انسان در محیط آزاد اینجوری. آنهایی که تروریسم درست کردند، خواستند این نباشد. دشمنان اصلی خواستند این چیزها را از ما بگیرند و ما نباید در این دام بیافئیم. البته با واقع بینی باید حرکت کنیم.

رئیس مجلس شورای اسلامی اخیراً در مصاحبه با نشریه " پیغام انقلاب " ۲۵ اردیبهشت، بیکار دیگر براهمیت و ضرورت رعایت آزادیهای سیاسی مصرحه در قانون اساسی تاکید کرد و اظهار داشت :
" قانون اساسی کشور را چند حزبی کرده، یعنی فعالیت حزبه را آزاد اعلام کرده، در مجلس شورای اسلامی هم براساس همان قانون، قانون نوشته‌اند.

یک مقایسه ساده میان این مواضع رهبران جمهوری اسلامی ایران و آنچه تاکنون بعمل آمده است نشان می‌دهد که :

" اطاعت محض از قانون همچنان دسنور روز انقلاب است. "
گرایش که بشکل تنگ‌نگری، انحصارطلبی و خود محوری ظاهر می‌شود، همچنان مانع جدی در راه اجرای قانون و رعایت حقوق و آزادیهای سیاسی مصرحه در قانون اساسی است. این گرایش که پرچم فدایی ستیزی و توده‌ای ستیزی را برافراشته و در پی برافراختن " جهادی مقدس " علیه پشتیبانان صادق و ایثارگر خط ضدامپریالیستی و مردمی امام است. عملاً " جهت اصلی مبارزه مردم ما را که علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا است زیر ضرب می‌گیرد. کوششهایی که اکنون برای پیچیده کردن و هرچه محدودتر کردن " آیین‌نامه اجرایی قانون اجزای " و به تاخیر انداختن تصویب آن صورت می‌گیرد. دقیقاً " از همین گرایش ناشی می‌شود در واقع برخی تلاشها متوجه آن است که از این " آیین‌نامه " هم حزبه‌ای برای محروم کردن بخش مهمی از نیروهای اصیل انقلابی میهن ما از فعالیت قانونی بسازد.

ما تاکید می‌کنیم که بی محتوا کردن مفاد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در مورد حقوق و آزادیهای سیاسی، بهر شکل که باشد جز زبان‌رسانی آشکار به انقلاب نخواهد بود. اتحاد ضروری مردم میهن ما در بیکار علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا، که ضامن عمده پیروزی در این نبرد است، بدون تامین و تضمین حق فعالیت قانونی و آزادانه همه نیروهای ضدامپریالیست و مردمی تامین نمی‌شود. سازمان ما که پشتیبان پیگیر خط ضدامپریالیستی و مردمی امام خمینی است و پایبندی خود را به قانون اساسی بارها اعلام کرده است اکنون تحت فشارها و تضيیقات غیرقانونی و خودسرانه بی‌شماری قرار دارد. ما جدا خواهان پایان دادن به این قانون شکنی‌ها و خودسری‌ها و تامین آزادی فعالیت سازمان در چهارچوب قانون اساسی هستیم.

در برنامه تلویزیونی معرفی وزارتخانه‌ها، چندی پیش نشستی با شرکت معاونین وزارت کار و امور اجتماعی برگزار شد تا چگونگی کارکرد ایسین وزارتخانه و مسئولین آن به آگاهی مردم برسد. این برنامه که می‌بایست در پیچهای بسوی طرح وحل مشکلات عدیده کارگران می‌گشود، نمایش زنده عملکردهای قانون شکنانه و کارگرسیزانه وزارت کار از آب درآمد.

در این جلسه شخص آقای وزیر کار "بدلایل موجه" حضور نیافت و چهار تن از معاونین ایشان در همدستی آشکار مجری برنامه با معاونین وزیر، برنامه‌ای را سرهم بندی کردند که تماما "توجیه گستاخانه قوانین طاغوتی و عملکردهای ضدشورایی وزارت کار و اهانت آشکار به طبقه کارگسر و دستاوردهای انقلابی سه ساله" اخیر آن بود.

آقای معتمد رضایی مسئول نظارت بر روابط کار، در دفاع و توجیه ماده ۳۳ قانون کار گفت: "این ماده به هیچوجه علیه کارگران نیست و چنانچه رونق اقتصادی داشته باشیم بایست کارگران نیز هست. او مبارزه گسترده و بی‌وقفه کارگران برای لغو ماده ۳۳ را منکر شد و تبلیغ علیه این ماده را "کار گروهکها" دانست؛ آقای معتمد رضایی همچنین در توجیه این ماده متذکر شد که "مزایای اخراج" که طبق این ماده به کارگران اخراجی پرداخت می‌شود برای تامین زندگی آنان در دوره "بیکاری" کافی است!

در ماده ۳۳ قانون کار طاغوت آمده است که "هرگاه قرارداد کار را بین کارگر و کارفرما) برای مدت نامحدود منعقد شده باشد، هر یک از طرفین می‌تواند با ۱۵ روز اخطار کتبی قبلی آنرا فسخ نماید...". روش است که "فسخ قرارداد" همواره یکجانبه (از طرف کارفرما) صورت می‌گیرد و کلمه "فسخ قرارداد" جز پوشش حقوقی برای اخراج بی‌چون و چرای کارگر از جانب کارفرما معنایی ندارد.

ماده ۳۳ قانون کار بمشابه یک "قانونی" حاضر و آماده در دست کارفرما علیه حق کار و امنیت شغلی کارگران (که از جمله حقوق مصرحه در قانون اساسی است) عمل می‌کند و حکم زاندارم حافظ روابط استمرگانه کارگری کارفرمایی را در قانون کار فعلی دارد. این ماده تنها تعهدی که در مقابل اخراج کارگر برای کارفرما قائل است، پرداخت "مزایای" اخراج (حق سنوات و خسارت اخراج) است که صرفنظر از ناچیز بودن آن، همواره راههای گریز از پرداخت آن نیز برای کارفرما باز است.

اخراجهای خودسرانه و روزافزونی که بااستناد ماده ۳۳ در واحدهای تولیدی و خدماتی مختلف صورت گرفته و می‌گیرد چشم انداز تیره سلب نصبت شغلی را پیش روی تکتک کارگران شاغل نیز ترسیم نموده و می‌نماید. قطع نظر از عوارض بحران اقتصادی موجود، انگیزه این اخراجها

عمدتا "اخلال کارفرمایان و مدیران ضدانقلابی در روند تولید، سودجویی و آزمندی کارفرمایان، تنگ نظری‌ها و ندانم کاری‌های برخی از مسئولین جمهوری اسلامی، بی‌اعتنایی غیرموجه به مطالبات عاجل و مبرم صنفی - رفاهی کارگران است. و اینهمه برای ضد انقلاب زمینه مساعدی را فراهم می‌آورد تا با تبلیغات مسموم و تشدید ناراضی‌ها، بزم خود حمایت فعالانه و استوار طبقه کارگر را از انقلاب خدشه‌دار کنند.

کارگران مهین با بارها و بارها خواستار لغو ماده ۳۳ و تدوین و اجرای یک قانون کار مترقی شده‌اند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصول ۲۸ و ۴۳ خود اساسا "مضمون ماده ۳۳" را مردود می‌شمارد. امسا متاسفانه در برخورد مسئولین کنونی وزارت کار با این معضل اجتماعی، کترین نشانه‌ای از پابندی به قانون اساسی و آماج‌های انقلاب نیست، انقلابی که امسام خمینسی کارگران را ستون آن دانسته و یک روز عمر کارگر را به همه سرمایه‌داران ترجیح داده‌اند.

گرایش کارگرسیزی وزیر کار و معاونان آن آب به آسیاب ضدانقلاب به سرکردگی امریکای جنایتکار می‌ریزد و عملا "پیشبرد سیاست اخلال در تولید و محیط‌های کارگری است. این سیاست تاکنون ضربات سنگینی به انقلاب وارد آورده است، کارگران که پابندیشان به انقلاب و مصالح آن خدشه‌ناپذیر است خواهان مهار گرایش کارگرسیزی در وزارت کار هستند.

در زاله عشق همدای مردم در سنگر حبه آشنای مردم
 تا قاتل خلق با چکل بنشیند صد جان عزیزم همدای مردم
 بر لوح افتخار آفرین شهدای سازمان در جنگ سپیدی علیه تجاوز آمریکایی
 صدام، همچنان نام‌های جاودانه دیگری حکمی نمود. از شروع عملیات
 پیروزی آفرین "فتح‌المسن" تا پیروزی بزرگ آزاد سازی شهر خونس،
 خرمشهر، دهها نفر از رفقای ما به شهادت رسیدند که تاکنون فقط نام و
 شرح قهرمانی‌های نزدیک به سی نفر از این حماسه‌سازان بدست ما رسیده
 است.

- ★ رفیق شهید بدالله حاج حبیب (استدباری)
- ★ رفیق شهید یوسف حمزای
- ★ رفیق شهید یوسف گوهرانپور
- ★ رفیق شهید شفیعی
- ★ رفیق شهید محمد ثابت قدم
- ★ رفیق شهید اردنر کمالی
- ★ رفیق شهید داود بورحسیر
- ★ رفیق شهید رجب مرادپور
- ★ رفیق شهید فرهاد تیروانی
- ★ رفیق شهید عنایت عابدزاده

شهدای قهرمانی از سایر مدائیان (اکثریت) اند که آخرین بطور
 حماسه‌های حک شده بر لوح افتخار آفرین شهیدان سازمان ما، با نام آنها
 آیدین بسته شده است.

رفیق شهید بدالله حاج حبیب (استدباری)، پس از ۱۶ ماه مبارزه
 قهرمانانه و شوراگیر با متجاوزین صدامی در حبه‌های سرد سپیدی، در
 ساعت ۳ بعد از ظهر ۵ دیوردیس ۶۱ در حرمان تخریب‌های اطراف پایت
 ۵ حبه طعمه درعمل بر اثر اصابت ترکش توپ به شهادت رسید و به خیل
 شهیدان انقلاب پیوست. او سه روز پیش از شهادتش، در شب فرماندهی،
 نحوه‌ی تحسین آفرین سرجه و سه راه فیهو حانه را از جنگ مجاورین خارج
 ساخته بود. شهادت او مقدری در میان سربازان و بسیجی‌هایی که تحت
 فرماندهی او می‌رزمیدند، تاثیر گذاشته بود که همه آنها در اندوه از
 دست دادن چنین همروزم و فرماندهی، یک شب لب به دعا بردند.
 نحوه‌های روبرار حلالتی است که همانست. همزمانش در توصیف شخصیت
 مردمی و اخلاسی بدالله سرباز آوردند: او گل گروهان ما بود، او شجاع و
 با ایمان بود، او بهرمان بود، او از انقلاب جانانه دفاع می‌کرد، او به
 حبه، کتاب مبارزه با بیسوادی آورد و به بچه‌هایی که سواد نداشتند،
 خواندن و نوشتن یاد داد. قهرمانی، مداکاری و روحه حمی بدالله و
 متن سترگ او سه راه زهای رحسنگان و بهرطرف انقلاب خونبارمان،
 صنع الهام همزمان او بود او در آخرین نامه‌ای که به خانواده‌اش
 فرستاده بود، اس حسن نوشته بود:

"منها ترس من او ایست که مرگم در بی‌بند و باری و ولنگاری رخ دهد
 و نه در جهت ساختن زندگی، می‌خواهم ایها بگویم: همانقدر که
 خدمت‌های فرهاد و الهام و مرثاد نادای بخش است و دویس‌ها و
 تبلیط و بلبل‌ریایی بهار و احسان و الهه و مهری، استدبخش، به
 همان اندازه هم رنج‌ها و بدبختی‌های کارگران و رحسنگان دردناک
 و خشم‌انگیز است و انسان مبارز و راستین زنده‌بودش را و مبارزه‌اش
 را در جهت ساختن و جاودانگی اولی و نابودی دومی فراموشی دهد.

در شب هفت رفق بدالله، همه مردم محله بهشتی شهر ری که بدالله
 را می‌شناختند و به او عشق می‌ورزیدند، حضور داشتند و نثار گونده
 مرگ بر امریکای را که همیشه در دهان بدالله بود، سردادند. در مراسم
 سرگذشت شهید، سروهای سیخ، احسن اسلامی، نورای محل و حسینیه
 رژه رفتند و سرود خواندند. این رژه و سرود، حلی اتحادی بود که
 علیرغم همه موانع موجود در سنگرهای مبارزه مردم ما علیه حبه متحد
 ضدانقلاب و در رأس آنها امریکای حناپگار، ریشه می‌گیرد و ما حون همه
 فرزندان حناپار خلق ما روز می‌نود. خون بدالله، در اسراء رخنه شد.

او اعتقاد خلل نادرست به لزوم تأمین اتحاد بزرگ خلق و ضرورت گریز
ناپذیر وحدت همه هواداران راستین حواله‌سالم ملی و ایقان عظیمی
به لزوم تأمین بوسان بزرگ اتحاد فراگیر بوده خلق را با شعری از
هویتی پس که در آخر کتاب "سپای مردمی حزب" نوشته خود، نشان داده
بود:

"تا از مرگ فوهرریم."

با همچون بر سر راهی "چه هوا" هر سال در می‌نویسم.

و سال دیگر بر باره می‌روشم.
رفیق شهید یوسف حرمای، این مرزبند روح و این چهره "آنا برای
کارگران کوره برحانه‌های مارندران که داوطلب جمع‌آوری می‌ها نده بود
تا راه پیشروی رزمندگان برای آزادی مناطق انخلالی گشوده گردد. در روز
۶ مرداد ۶۱ در اوج حماسه فریسی به شهادت رسید.
رفیق شهید یوسف گوهراپور که تائیس کسر کوچگانی یادگار سارره او
با رژیم امریکایی شاه است. در جریان عطبات "منخالس" به شهادت
رسید. یوسف با رزم خود نحوه دیگری از سپهر پرستی کمونیستی را به
شایسته گذاشت. او در حماسی به مادرش که خندید "گران اوست.
می‌پوشد:

مادر جان امروز کشور ما در وضعیت بحرانی قرار گرفته است. در یک طرف
سپروهای ارضاع سرگردگی امپریالیسم امریکا کشور ما را محاصره ناخت و
مار و حشابه خود فرار داده‌اند. بگردد محرم اقتصادی. روز دیگر
سپاهر نظامی و در پی اش تاسساز و تاپه‌پراکی علیه انقلاب
شکوه‌نندگان، و در طرف دیگر سپروهای انخلالی - فرعی ایران و
جهان. با امروز روز امسکان است. تاریخ راه میانه‌ی برای سرودی
انخلالی نگذاشته است. با ما "سادر جان از من هرگز نولسم
بدانچه بانی که هرگاه داور می‌شود برای جنگ با صدامیان و امریکا
می‌خواستند اولین نفر شایم چرا که چه کسی باید جز من و من‌ها.
صدام و صدامیان را وادار به نکست یارد؟ چه کسی باید بیرون سرج
عدالت و آزادی را جر من و ماها که دارد؟ چه کسی باید فرادار
فردای فارغ از سواوز و قتل و غارت، فردای سادتمند. فردایی که
مهدی‌ها و فرادها و فرنده کوچولوها بسواد راحت و آسوده زندگی
کنند. مهیا یارد؟ پس مادر جان بویاید شوقم بانی تا با بسگر من
داوطلب خدمت به انقلاب و مردم رخصکن میهم در جهیسه‌های
جنگ باشم."

رفیق شهید محمد ثابت قدم. حونه‌های دیگر از نایب قدم رفقای ما
در دفاع بگراهنان از انقلاب و سارره جنگی ناپذیران علیه امریکا و
متحدین داخلی است. او در طول مدتی که در حبسه بود. چهار بار مورد
اصابت ترکش خمپاره فراز گرفته بود و سراجام در شرایطی به شهادت
رسید که طبق دستور بزرگ صالح. می‌بایست اسراحت کند ولی رضی
شهید ثابت قدم که سوجه گسود پریل سیداری نده بود. روز دوم
فروردین ماه عارم خط مقدم شد و بر اثر اصابت ترکش در اوج عداکاری. به
شهادت رسید.

رفیق شهید حمایت عابدراهه که روز ۶ فروردین ۶۱ در حبسه فاسه به
شهادت رسید. در واجسین لحظه حیات گواه و پرامسازش. ملی با بان
ناپذیر خود را به راه بزرگ رفاهی حونه‌های خلق با دیگر نشان داد. او
وصف کرد که تمام دارایی‌هایش را فروزند و پول آنرا به سارمان بدهند.
دوستان رفیق شهید داود پورنصیر که در نبرد پرامساز و سحر سنگه
چراغ به شهادت رسید. نقل می‌کنند که بوضه داود همیشه این بود که:
در پایان نامه‌هایش "مرگ بر امریکا" را فراموش نکند!

سپس دوسی انخلالی و ایقان استوار نسبت به انقلاب و حونه‌های دهیا
ملیونی رخصکن حاصل بر حسته رفقای تاس که برای همه ما که فروان
راه آنها همیم آورنده است.

از رفقای شهید ما که حونه‌های انگار با در حفاظت ملی سارمان ما
هستند سیموزیم اسواری در دفاع از انقلاب و دستاورد‌های آنرا. سیموزیم
عداکاری و ایثار در راه خلق را و سیموزیم سلم ناپذیری در برابر دشمنان
خلق را آورنده داریم. آجما که آنها سواوست کرده‌اند "مرگ بر امریکا" یا
ساد حرمستان. در حوره‌های سارمانی سیموزیم و در یکوب احرام ما
آنان مثالی تازه سندیم که سواره در راه مردم رخصکن. در راه انقلاب
عدامپریالیستی و مردمی سیمسان علیه حبه متحد صدانخلاب سرگردگی
امریکای حشاک از سارره مار تاپسیم.

با دشمنان گرامسی سعاد.

مخوان جزایر مالویاس (فالکلند) . پهنای از معادلهای حاد درون
امپریالیسم

مافیه انگلیس و آیرلند بر سر جزایر مالویاس . همانگونه که
قابل پیشبینی بود در جوانی سراسر امپریالیسم انگلیس و آمریکا
احاطه است . امپریالیسم درون انگلیس برای حلوتی در اعمال
حق عاقله آیرلند بر جزایر مالویاس اتحاد حکمیت پس داد .
امپریالیسم آمریکا بر جسم گرفت که در برکوب مردم آیرلند از
مدل هرگونه کمکی به انگلیس خودداری کند . آیرلند با از لحاظ
نظامی و اقتصادی محرم گرد و با سیاسی همه جانبه خود از
امپریالیسم انگلیس یک بار دیگر احاطه کرد که هدف از تسلط
سازمان OAS : جوی سرپاسداری از صاحب امپریالیسم آمریکا
در آمریکای لاسی است .

" پیمان کمک متقابل " در سال ۱۹۴۷ بین ۲۵ کشور آمریکای
لاتین و ایالات متحده در ریودزاسرویا امضا کرد . آمریکا معتقد گردید .
بر پایه این قرارداد " حمله مسلحانه توسط هر کشوری علیه هر یک از
کشورهای آمریکایی بعنوان حمله علیه دیگر کشورها خواهد بود ."
امپریالیسم آمریکا در سال ۱۹۶۲ . زمانی که گوشههایی برای نفوذ
کردن گویای انقلابی صورت می گرفت و در سال ۱۹۶۵ . در برکوب
خوش عمومی مردم دومینیک فتنه دیکتاتوری خون آشام راسته به
امپریالیسم این کشور . به استاد این پیمان . تجاوز خود را به
گویای انقلابی و شرکت خود را در برکوب مردم دومینیک قانونی
خواند در حالیکه در هیچیک از دو مورد یاد شده . هیچ تهدیدی از
خارج متوجه این کشورها نبود و در هر دو مورد خلفای دو کشور
برای نیل به استقلال . آزادی و عدالت اجتماعی علیه رژیمهای
دست نشانده قیام کرده بودند .

مداخله نظامی انگار انگلیس در جزایر فالکلند . و حاکم انگار آن
با آیرلند بر سر جزایر نارهایی برای امپریالیسم آمریکا ساز آورد .
ژنرال هیک وزیر خارجه آمریکا اعلام کرد . " حل این نزاع در چهار
حوت پیمان امنیتی مشترک ریودزاسرویا صورت است و به موثر " .
و به این ترتیب روند مناقشه آیرلند و انگلیس . مضمون واقعی این
پیمان با سر برای سوده های دهها میلیون آمریکایی لاس انگار
صاحب و صاحب اتحادگراهی آیرلند که تنها برای پاسداری از منافع
امپریالیسم سرکردگی آمریکا و حفظ رژیمهای دست نشانده در
کشورهای آمریکایی لاس تدویر شده است از پرده سرور انداخت .

وزیر امور خارجه انگلیس . فرانسیس هم . مضمون اتحاد فتنه
امپریالیسم آمریکا و انگلیس را به روشنی بیان کرده است . او گفته
است : " انگلیس می تواند اجازه دهد که آیرلند در انحال نظامی
فالکلند موفق شود . زیرا در این صورت ممکن است در دیگر نقاط
عبارت مثل شانه صورت پذیرد و انگلیس بخاطر جلوگیری از تکرار
حس برودادی در دیگر نقاط جهان در سرور . اندک نیروهای نظامی
آیرلند از فالکلند به تلاش خود شدت خواهد بخشید ."

راست است که جزایر مالویاس . که اقیانوس اطلس و اقیانوس
هند را سکنه بر سر خط می بارد برای پیمان تجاوزگرا . مانع گشته
اتحاد نظامی امپریالیسم جهانی سرکردگی آمریکا است و برای
اصحاب امپریالیسم و امپریالیسم جهانی با در احاطه دانس این
جزایر قادر خواهد بود بر کشورهای آمریکایی و کشورهای آسیایی
سواحل اقیانوس هند اعمال فشار حاد و از امکانات مساعدی برای
برکوب جنبشهای ضد امپریالیسمی خلفهای این منطقه برخوردار

نود.

اسرئالسم انگلیس و آمریکا. همچنین می‌توانند از طرح
ساله فالکلند در سازمان ملل متحد نیز جلوگیری کرد. زیرا توافق
بررسی این ساله در سازمان ملل، هیچ چشم‌انداز مثبتی را برای
اسرئالسمها چید می‌دهد.

اس حراب از قرن شانزدهم در اختیار اسپانیا بود. در ادامه
یونان بلانی سیستم استعماری اسپانیا، حاکمیت بر این حراب در
اوایل قرن نوزدهم در اختیار انگلیس قرار گرفت. از آن زمان بعد
اختلاف و دیگری شکل‌های گاه حاد و زمانی خفیف بین آیزلندین و
انگلیس بر حراب برقرار وجود داشت. تا آنکه در اوایل دهه ۶۰.
اس حراب در شمار سرزمینهای قرار گرفت که مطابق لیست سازمان
ملل می‌توانست استقلال خود را بدست می‌آورند. بدسال اس
تصمیم سازمان ملل، دو کشور از ۱۹۶۵ مذاکرات خود را شروع کردند.
اس مذاکرات ۱۵ سال طول کشید تا آنکه به اس منتهی رسیدند که
دو کشور مشترکاً از منابع معدنی و طبیعی آن استفاده کنند و
حاکمیت سیاسی آیزلندین بر آن حراب برسریت شایسته بود. اما
انگلیس در آن زمان بر منابع مذاکرات بنسبها رد و اکنون نیز سک
می‌داند که طرح مجدد اس ساله در سازمان ملل نتایج حلالی
وی بار خواهد آورد.

حراب فالکلند، بررسی را که اسرئالسم جهانی تا آن روز
است آغاز می‌سازد و نشان می‌دهد که جهان اسرئالسم با حادهای
حادی در درون خود دست به گریبان است که بود برومانی آسرا
برعت می‌بخشد.

اثرات جنگ تحاورگاران رژیم صدام در جامعه عراق

در اواخر ماه شهریور ۱۹۸۱ گسسته مرکزی حزب کمونیست عراق احتیاج مادی و کامل جوش را تشکیل داد. در این احتیاج هیئت سیاسی دربار و طبایف حزب در شرایطی که رژیم دیکتاتوری صدام، جنگی تحاورگانه را علیه ایران همسایه برپا کرده است صورت نداشت. آنچه را که در رژیم می خوانید خلاصه ای از گزارش مصوب پلوسوم گسسته مرکزی حزب، درباره نتایج و اثرات جنگ تحمیلی در عراق است. که ماهیت ضد مردمی جنگ تحاورگانه رژیم صدام را اثبات می کند و نشان می دهد که این جنگ تحاورگانه تا چه پایه علیه حلفای ایران و عراق و در خدمت منافع امپریالیسم و صهیونیسم است.

حزب کمونیست عراق، که رومنده ترین سازمان سیاسی در سائره علیه رژیم ضد مردمی صدام است، جنگ تحاورگانه رژیم صدام را جوش ضد ملی رژیم صدام به امپریالیسم می شناسد. از اغیلات و دفاع فادلان مردم تا سیاسی می کند و خواهان پایان بخشیدن به این فحاشی و جنساک و عقب کشیدن نیروهای عراقی به مواج قبل از شروع جنگ و حل اغیلات از طریق مسالمت آسیر می باشد.

عسرای در طول تاریخ عدسندن هرگز چنین کارزار و ویرانی بزرگ و همدستانه و رندانه ای را بخود ندیده است. این جنگ در شدید - نکست و باوردی کل سیاست حکومت ضد خلقی، بخش زیادی ایجا کرده و همه جوانب سربس موجود را عمق برد و مسابلی بیش آورد که این بحران را بیشتر عمق می کند. بطوری که این وضع دشوار به همه صحنه ها سرایت کرده و همه جوانب زندگی اجتماعی را در بر گرفته است.

رئاسهای انسانی

از رخی نظامی بزرگترین زبان و از همه دردناکتر زبان بزرگ انسانی وارده بر قربانان و اسیران و درجه داران است. که عارت از دهها هزار گسسته و رخی و مطول و هزاران اسیر و قربانیان بسیار آنها می باشد. موضوع به همین جا محدود نمی شود. سیاست سرکوب و جنسانه به همه صحنه های جنگ سر گسترش یافته و اکنون میدان های جنگ بسراز صحنه های نیربازان نظامی است که به "تربس" یا "نوطه جنبی" یا "فرار" یا "تصور در انجام و طبعه" متهم بودماند. این نیت ها علاوه بر آنکه نتایج است که ارتش احارار" به این قضای کشیده شده و نظامیان به فادلان بودن این جنگ باور ندارند. در عین

حال بنانه هراس با حرا و جوانان این جنگ نیز می باشد. در نتیجه این جنگ خانواده های که با این آوارگان را از دست دادند با فقر و بدبختی خارج از حدی روبرو شدند. در این مدت سیاست قهر و سرکوت چنان چهره خونینی خود گرفت که پیش از این هرگز نظیر نداشته است. شماره قربانیان این قهر و سرکوت در چهارده ماه گذشته عبارت بود از هزاران نفر از هوطنان غیر نظامی و نظامی که از جنگ ناراضی بودند و با آنها که مطلوب صدام و داروستانش است. فعال بودند.

ریداسیا و یازده دستگاه از هزاران همسپین برنده ماند و روح اعدام و کشتار در زیر شکنجه. تعداد مرگانی از بین مرگان را در برزخه و رن و جهادشان نسیز از دستگیری و تعجب در این بینند.

زبان هفتک سلجوقی

بر کسی نبوده است که ارتش عراق قبل از جنگ در سطح نیروی ارتشهای عرب قرار داشت. ساهی که می بایست در سنگسرها با ناوایران اسرائیل قرار می داشت تحمل چنان جبارانی شده که نیروی انسانی و موثری را از دست داده است. حکمرانان بغداد برای حیران بخشی از رانهای عظیم ارتش به هر دری می زدند. همین دلیل است که علاوه بر قراردادهای بزرگ خرید سلاح از فرانسه. قراردادهای هفتگی با ایالتا. آلمان فرسی. اسپانیا و پرتغال منعقد شده است.

ساله روشنی است که توانایی دیگران به حدی رسیده است که تصور شود می تواند در مقابل حملات گسترده هوایی که با کلاهک های هوایی دریایی و اردوگاه های نظامی و مکانهای مهم و انبارهای آذوقه و سوخت را در برابر عراق نابود می کند. واکنش نشان دهد. مشورتها و تدابیر ایجاد شده از سوی دیکتاتور برای ایجاد راه اتحادیه های ارضی برای ناسی همکاران دور دست در سالک اردو و طرح برای هواپیماها و کشتی های جنگی اش. هیچ فایده ای نداشت نیروهای دریایی و با کلاهک و سایر مرای در سطح کلاهک نابود شدند و ایرانی ها توانستند با محاصره کامل نظامی و بحاری مانع صورت (عراق) از طرح گردند.

زبانهای اقتصادی

در صحنه اقتصادی، تا سیلیت نفتی دچار ویرانی وسیعی شده اند و این علاوه بر نابود کردن کامل دوستان اصلی صدور نفت. "بکر" و حواقیقه است.

مدن سب. در آمد عراق از طریق عدم شمار کاهش نامناسب. مصطوف. ویرانی همه کارخانجات و موسسات مهم اقتصادی را در بر گرفته است که عبارتند از: صنعت نساجی و صنعت آهن و فولاد در حمزه و صنعت صنعتی دیاله و صنعت تراکین و ناخن سازی در انکدریه و منطقه انبارهای بزرگ در طار و نیروگاه های اصلی تولید برق در ناصریه بغداد و حمزه و دوکان و کارخانجات کوره نساجی در حمزه و کرکوک و کارخانجات نگر در سلیمانیه و موصل. و غیر از آنها کارگاهها و کارخانه ها و موسسات اقتصادی برابر عراق. مدنی شکل همه موسسات مهم اقتصادی که در دست گردانان در مدت دو برانه بزرگ پنج ساله با صرف ده هزار میلیون دلار صورت گرفت. بسیاری از موسسات و کارخانه های که در مدت دهها سال با سرب و برودت درست شده بودند. دچار ویرانی وسیع و رانهای جنگی گردید.

نابودی باندهای صمصی

به این ترتیب این جنگ سبکانه است ویرانی باندهای صمصی و حراسی مانی و ایمن رشد اقتصادی - اجتماعی گردید که شب تا شبایی مال برای آن مبارزه کرد و سرو و جود بسیاری از صمصی اجاد و تصرف آنها کرده است. چیزی که اتحاد این جانب را جد برابر می کند. خصوصا آن است که سروی بود کور. در صمصهای تولید مادی صمصی و کشاورزی به حدت (مطروحات جنگ) فراوانده شده است. این در کنار آواره کردن هزاران نفر از هوطنان به ایران و آواره کردن تمام هزار خانواده از کودکان و بل کار و زندگیا. سب کاهش سروی کار و توقف جود ملی و قطع شدن وسیع انواع موسسات تولیدی و خدماتی و اداری و آموزشی شده است.

کیبانی های انحصاری از این فرصت سود می برند.

به سب این ویرانی همه خانه که در صحنه جنگ همه دستگاهها و موسسات اقتصادی را در سبب بردند. شرکت های سرمایه داری انحصاری حیدرلیسی همگونی که بر اثر برانه فرسی از آن نام می برند. به استفاده از این فرصت آماده محصور فرود برای ساکنان بوی آورده اند. قراردادهای وسیع و بزرگی خصوصا در سال ۱۹۸۱ با حکمرانان بغداد منعقد شد. که انهم سب می بود که سیاسی

و برای چند سال آینده عراق ریز بار حیدرات شکنش می قرار گیرد و اقتصاد مانیکی اقتصادی عراق صمصی و وسیع تر شده و صمصی اقتصاد سرمایه داری جهانی (امریکالیسم) وابسته شود.

فصل پنجم: بیشتر بود بخش خصوصی

تا این ذکر است که روش حکومت در برعهه سبب اقتصادی شامل به فراوانی برودن کامل جاده های صنعتها و سرمایه های اقتصادی و هدر دادن ثروت فراوان مردم. بوده است. طرح و صمصی همصحنه های اقتصاد و ادارات اقتصادی را در بر گرفته است.

همچنین در مدت جنگ هیچ بخش خصوصی صمصی بیشتری نداشت. این امر با عمل کردن خاوسهای کشاورزی. و گرانگی و تک کردن به مجموعه جابجایی ها صورت گرفت بزرگترین شرکت بخش دولتی (شرکت عمومی منطقه) منحل و آلات و کارگاههای به بخش خصوصی فروخته شد. اسکانه های گزاه ماشین های کشاورزی منحل گردید و احلال بسیاری دیگر از موسسات دولتی در دست رژیم صدام قرار گرفت. در کنار این. با کجایی خصوصی: کشاورزی. صنعتی. رمنس و بانک بازرگانی (راعیه بی) به دادن وام و فرصت های بیشتری به سرمایه داران شیر و ده پرداختند و مالکان و زمینداران روزی توانستند هزاران ماسی درو. حبیب و طاسر آلات کشاورزی بدست بیاورند. همچنین چندین پروژه کشاورزی و پروژه دامداری تحت اختیار بخش خصوصی قرار گرفتند و فرصت های بیشتری در برعهه کشاورزی و صنعت. علاوه بر فعالیت در برعهه تجارت و منطقه کاری و باجوازی. برای بخش خصوصی ایجاد شده که مثلا وجود نداشتند. در این مدت. بسیاری از عواس که به که فعالیت های استثمار گزاه بخش خصوصی را محدود می کرد و با به جمع رحمتگان و زحمتکاران وضع شده بود. از فصل جابجایی کار و باسی احصای لغو و با دستگیری و تحریف شدند. در نتیجه. در هنگام وجود جنگ. پایگاه سرمایه داران و منطقه کاران و مالکان بزرگ و روزی کشاورزی کشاورزی شرکت نسیب گفت و توانایی و خود روزی روزی بزرگوار امراضی نام. در حال با سبب طعمه کارگر و گروه های رحمتگان و دهقانان فقر حسز شد و به حاربت از ده به حیر. آهنگ طرح تری خود گرفت. همه ایسا سرمایه طعمه حزب حاکم که می گوید مالکیت عمومی در حدت بیشتر حواسلرم نگار ساختند احام گرفتند. حور طمانی این سبب در صحنه صمصی در برعهه سبب اقتصادی - اجتماعی. به بازاری بود که به حیر رشد و تنسیب. رابط سرمایه داری در شیر و ده و حکم پایگاه های روزی بزرگوار و حو حوزار و حدت به مانع مالکان و تمام گروه های روزی روزی. رسا. قدم بر می دارد.

فرصت بولی و مالی

هر نتیجه از دست رفتن وسیع دارایی ها به سبب جنگ و کاهش شدید درآمد صمص. دارو دست حکمران چنان سیاست و روشی را اجرا می کرد که کشور را با بحران و بیست مالی و هفتتانی روبرو کرده است. خرجهای گزاه جنگ سبب از دست رفتن صمص پشتوانه اداری و طای عراق می شود. در بافت وام اخیر ۱۲ میلیاردی از خودی و طرح و پروژه جدید ۷ وام ۷ میلیاردی نشان داده بودی اساسی وضع مالی عراق و اسطافروشی سیاسی و راهاندن بیشتر در آغوش ارتجاع است. سی گمان این وضع باعث تنگدستی بیشتر افراد کم درآمد و نابودی دستاوردهای مبارزه طولانی زحمتگان می شود.

زندگی روزانه سخت تر می شود.

سخت دارو دست دیکتاتور برای حکومت کردن به ارتباط صمصی و نیروی پول مکی است در مدت جنگ شوه بسیار تندتبی به خود گرفته و محدودی خلق و درآمد کشور را تحت کنترل گرفته اند گمانگین مانده نداشته است. با این هدف که ناراضی مردم را کم کند یا آنها را به سبب مانع ترین شوهای وادار به تسلیم و سگوت نماید. خانواده های فقیر کارگران. دهقانان. کاسکاران و کارندان حرا و همه همصیانی که درآمد شخصی و دستسزد صمصی دارند. با گزایی و نبود و کمبود احتیاس ضروری زندگی دست به گزاشند و از آن رنج می برند.

دست یادی از جنگ گذشته بود که بسیاری از انواع مواد غذایی مانده آرد. روغن. گوشت و تخم مرغ. ماهی. برنج. رب. طماوز و ناس. صنایع اساسی و مواد بهداشتی و ... الخ در بازار نایاب شد. قنطاریه حتمی دشواری جدی جنگ. ساله قطع بری خصوصا ... در محلات فقیرنشین و مساکین و بانوانی ها و سایر موسسات تولیدی و خدماتی بود. این فصل حواست گزایی و اعراضی مشکلات زندگی خصوصا در گردانان و بسیاری اسبابا و شهر و روسای برابر عراق. سبب متنگتر شده است.

در کنار این فقری که نوده های مردم زحمتگین صمصی اکثر هم صمصان از آن می مانند. دارو دست حکمران با گزاه دستن. پول فراوانی را برای کم کردن عظم و ناراضی مردم و قرب دادن

حسینی از هوطنان هدر می دهد. همراه با این وضع دشوار. ملام صاد و رشوه خواری و غارت مردم و تروپ اندوزی بی شرمانه و باری کردن با زوری و حق زندگی مردم اغراض یافته است.

مخرب زندگی اجتماعی

آثار سوگاری در همه جای کشور وجود دارد و هزاران خانواده به سبب از دست دادن کس و کارشان در غم و اندوه فروخته اند و هزاران زن در سراسر عراق ساهبوشند. همچنین بسیاری خانواده ها چیزی از تربیت فرزندانشان نمی دانند. تنهاره خانواده های که چند پسرانشان با بر حسب "خوس و یا" حاشی" بازی می کردند روزی از پیش است. این نشانه آن است که این افراد نظام سربازی از جنگ ناروا نبرازاری شده اند. در حالیکه ملت این وقایع جانسوز و گسترش حدود آن. وضعیت گمشدگان و بیوزمان و بیخانان چنان بحران و ناراحتی اجتماعی بوجود آورده که دل ملیونها نزار از هم میمانند و ناراحتی شده است. در مقابل. داروخته حاکم برپا نه شده پلیدی برای ملاحظه کردن با مردم برای خریدن اندوه هوطنان به "شوه" دادن پول متوسل شده و مگر می کند با این شوه کتشف می تواند از نعت بوده های مردم نسبت به روش حاکمانانش کم کند.

از همه این مشکلات وحشتناکتر این است که خدای بس نجه و سنی را چنان عمق کرده که ناگون عراق طغری را محمود ندیده به همان ترس خدای می برسد و گردد و افلت های ملی را بیشتر کرده است. سات بر کورگانه گسترش یافته و بدین سبب هزاران هوطنی مصور به ترک عقیده و پرام خویش گسسته و محسورند مانند که وارد موهوب حرب حاکم کردند. آزادی و حقوق هم مینان زیر پا گذاشته می شود. با سبب نظر گرفتن روابط حادثگی و امکا سیاسی. هم مینان شده اند تحت مراقبت قرار می گیرند. روحه مینان زدن و محاسنی و فرصت طلبی و دوسپه بری در سبب حسنی از هوطنان. رنده یافته و داخل موران و مینان و کارگران و دهقانان و گروه های مختلف هم مینان احاز می شود که احاز" وارد دستگاه "ام" شوند. حیرمخواران و وانگان حکومت سیرطریقی که شده مسلح می شوند. مسلح کردن مشرهما و رواج فاسد و مفودالهای پیشین نوعی از این شوه سداسنی است. جوانان صاد و بدترشی و آچاره دادن به بخاور به مایوس مردم امرایش یافته و کار مینان دولت میل از سار امراء عراق بسی و زبوه خواری و طبع می آید شده اند. رواج علاقه سبب به رژیم پادشاهی مذهب شده. اسامه داده می شود و از آن ساش می کند و ما احترام از "توری نمده" و سایر بزرگان اسامه نام سیده می شود. برای به احسار گرفتن خانه و تروپ دهها هزار نفری که از کتور اراجح شده اند و با برای کار و تحصیل از کتور میماند. قانون وضع می کنند. شخصتی مصلحت را با روز محله کرده و مردمش را سیرون می بریزد. کتور پلیسی را برحاجها و مصلیهای کار و تحصیل و مواصلات. نه بدتر می کنند و مواصلات و مواج حسنی برای رفت و آمد و مسافرت هم مینان وضع می کنند.

گسترش ترس و هراس و وحشت. باعث می رفتن مظهر زندگی اجتماعی می شود.

این حرب وسیع زندگی جامعه چنان وحشتناک بوجود آورده که هم مینان از زندگی خود و خانواده شان و کارشان و ناهوشان مطمئن نتوانند و مایونیا هوطنی تریف در سایه ظم و درندگی زندگی کند. مسطور جانفوکشان و جاننگاران و حیران مسطور بدین اصناع را حج کرده و به آنها مرات و اختیارات واگذار می کنند و به جان هم مینان می اندازند تا به میل خود آنها را آزار دهند و بکشند و به تروپ و باوستان نثار می کنند که مکارات شوند. در نتیجه این اوضاع و احوال به سبب جنگ و دتواری های بزرگ اجتماعی آن. مشکلات زیادی در سبب هم هوطنان پدیدار شده و وسعت یافته است. اکنون همه ملت ما در تروپ و برپیشای زندگی می کنند. این سایل هزاران مسطور خصوصا روشنگرسان و شخصین را وادار به ترک کتور. سوی مرعای که سواد در آن زندگی کنند. کرده است. اما از سوی دیگر هم سایل ساعت سربازی و مغرت سلوسیا نزار از بوده های مردم نسبت به رژیم صدام شده است.

احطاط علم و فرهنگ

آموزش کتور در همه سداسنیهای علم و ادب و هنر و آموزش و نوسندگی و روزنامه نگاری و اطلاعات دلم خارجان ناچودوسی خطی و عسافادگی شده که میل از این هرگز خود ندیده بود. هزاران نفر از بهترین اسادان و برگزیدگان و برگان و میندان و روزنامه نگاران و نویسندگان و برگزیدگان ادب و هنر و سیرترو و ار کار برگان شده اند. همچنین هزاران نفر از روشنگران مورد سرکوب و آزار و کشتار و تعسف قرار گرفته اند و هزاران نفر هم محسور به ترک کتور شده اند. در نتیجه اصرا بر ادامه بروسه حسنی کردن جامعه و با سوی از ایدئولوژی پیش حاکم اندیشه های ملی سوزناهی کینه

برسایه بر همه سداسنیهای علم و روشنگری تحصیل شده و اعصاب نپوشنی و نژاد برسایه و طاعفگی تندخو شده اند. همینکه ایدئولوژی دتوسی با کونسم و اندیشه های سوسالیسم علمی و اتحاد توری. صبره و حشانه بی نظری خود گرفته است. دار و دسه محنت فلسفی حاکم بر عراق ناسب کرده که در بدترین و جاننگارترین مفاهر جناح راست روها در دتوسی با کونسم و دموکراسی و نیروهای ترقی هستند و از نظر نظری و عملی نعت تاثیر فاشم هستند. از طریق این اعمال. افکار و اندیشه های ارضامی و راست با نه و حیوانیتی ایدئالیستی و کینه و بوسه و سجا پختی شده اند. روزنامه نگاری عراق نیز خصوصا در طول این دیکتاتوری و زمان جنگ. هرگز به این پایه سوزش و بوج سوده است. نه سبب شیوه دستگاه های ارتباط جمعی به نحس دیکتاتوری و جاروداتی و تشوین نثار و خونریزی و اتانیه افکار نژاد پرستی و اندیشه های کینه برسایه. عقیده مانده به جای فرهنگ حور و آزادتنی. بی پروازند. وسایل سلطانی برای منطبق شدن با روش و رفتار واد سیاسی دیکتاتور. مردم ایران را به باد تازار می گردید که این نیز نسخه کونسم و افکار حقیقتا "نژاد برسایه" است. در پناه این روش و سیاست. همه چیزهای فلفی و عقیده مانده در بروسه و تصور و ذهن مردم. رواج یافته است. همچنین همه افکار و گرانهای فوپی و فاشیستی تاریخی حرب همه عقلی. هیران با شروع جنگ دندهای ملیه کونسم و ملیه همه افکار انسانی. سرفی و اخلاقی. احیا شده اند. این سات نوم در میدان روشنگری و آموزشی. آموختگان و مدارسی را به تراکز سیاسی تبدیل کرده تا دانشموران و مصلان را به بی پروا آوردن در مقابل ایدئولوژی و برنامه حرب حاکم وادار کند. اعمال جس ساشیهای فاشیستی. حیران مگری و روشی عملی راست شده است که علم و فرهنگ را در عرض تخریب قرار می دهد. اسبم حرم دیگری از سبب حیرهای این حکومت و حلقهای از حیران عمومی عملی کتور است.

مشکلات کتور و گسترش مایزه برای سرکوبی دیکتاتوری

حیران کتور صبره حسنی خود گرفته و همه سداسنیهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و مالی را دربر گرفته و تاثیر حسنی بر همه حوای زندگی مردم گذاشته است. امروختن این جنگ نیز بیشتر اس حیران را تشدید کرد و چنان آترو عمق کرد که همه جوانان و مظاهر جامعه را دربرگیرد. رژیم سواست هدمی را بکه از نسخه جنگ اسطار دانت تحت سائوز و سروری های سرفی که انتظار داشت تحت ساید. از پیش از محله کردن اتحاد و مسور شده از شپها و ضاطفی که برای تحسیرنای می گویند. بازگردد و عقب نشینی کند. این محسرات در حیران جنگ. سبب گشسیر نزاره سروه های ایران و حسیف روحیه و برسی آنها. شد. مظاهر عصان و سرفسیمی پدیدار شده و احسای با صافی از این جنگ در میان ایرانیان بوجود آمده است. اسبم در این شخصی می شود که موارد قرار از پیش که هزاران سرباز و در حیدار و امسور و حسی فتمنی را دربر گرفته امرایش می ماند و موارد برنش به جدت

احطاط حسنی می شود. همسبب علامت تسلیم شدن در هر مکان و عرضی که برایشان دست داده بیشتر شده و این از هزاران سرفی که هرگز بر تعدادشان افزوده می شود. پیداست. ناراضی به جدی رسیده که عدای از نظام انشاهی آدوده و دغیره و مردوگامها و پادگامها را سرفسیر کرده و ازار و وسایل خطای را حراب می کنند. از سوی دیگر. خراسی وسیع اقتصادی تاثیر بد و مستطبی بر بروسه کونسمی و رشد اقتصادی اصنامی برحای گذار و ایجاد برنامه های اقتصادی و ناسی سوده برای این روند با اشکال بواجه می شود. خصوصا" ایگ پولی که اکنون موجود است در درجه نخست برای حرب اطمینان و محرکت در آوردن ساتین جنگی و تحسیر ناسیبات حسنی و موانع اساسی که در نتیجه جنگ ویران شده اند. بکار می رود. می توان اسبم ساحت اقتصادی را تابع ملاحظه جنگ می کند و به این مصلی است که بخشهای اساسی تولید به مراوشی سیده می شود و احصای این محسبا اسطام خواهد شد. ایسب مشکلات وسیع که کتور بدان دچار شده برگزیدگی های حکومت افزوده و آرا متروقی بر کرده است. در گنا این. همه نیروهای سینی در حبه مخالف قرار گرفته و جد حبه و اتحاد سینی تشکیل شده و اشکال مایزه وسعت یافته است همسبب انزوای رژیم در حسنی آرای حسنی ملی حرب و همه سروه های سرفی جهان سیر شده است.

ناراضی در صفوف حرب حاکم

همراه با اصرا دارو. سه حاکم سیرکوب و خود ای و اذامه جنگ. ناراضی در صفوف حرب حاکم. حسی که سیکلاسی به تراکز پلیسی تبدیل شده. امرایش باعث و مظاهر عصان و برسی و لبر در میان اگر گادریهای خطای و مصلطی سیرود است و سرکوب حوسس به شومای و همسایه آنان را هم سایل می نمود. و این در

حالی است که افراد دیگری از اس حرب برای درک کردن مشکلات محلی مخالف، سیدنی می‌کنند. رژیم می‌خواهد سلاب از بحرانی که به سبب جنگ سیدنی شده، حاکم باشد.

رشد مبارزه در کردستان عراق

در همه واحی مختلف کردستان و شمال کشور، دشمنان مسلح پسرگهای عمومی عرب و کرد و اقلیهای ملی همراه عراق مسلح سایر احزاب و گروههای سیاسی دیگر در صحنه مبارزه حضور دارند. صدها و هزاران پسرگه با روحه مبارزاتی نیرومندی در همه واحی کردستان و در همه نقاط سراسر مطبات دلبرای غلته رژیم صدام احساس می‌کنند. وارد شهرها و محلهها می‌شوند و با ساکنان آنها سعی می‌کنند. روی حادثهای عمومی و مردمگ شهرها بستن می‌کنند. و صریحاً موزی نه پایگاهها و مردوزان دشمن وارد می‌کنند. اس مطبات نجاعانه، برین معانی دایره‌های رژیم ابداعه و روحه مردم را در برابر عراقی خوب کرده است.

حرب ما در میدان مبارزه

حرب عمومی (کمیونیست) عراق که صدام حسین جنس پیش‌بینی می‌کرد که آنرا در روز حسنی از سبب خواهد برد، امروز در میدان مبارزه محکم استاده و پایگاههای خویش را بدست می‌آورد و صفوفش را مبارزاتی خویش را با گروههای سیاسی کشور و همه نیروهای آزادی محسن ملی عرب و جنس اقلیهای جهان پیوسته می‌کند. همچنین در همه میدانهای سیاسی و نظامی و سکیلاسی از طریق روزنامه و سایر وسائل اطلاعاتی به مبارزه مداوم خویش ادامه می‌دهد و قطعاً با در مقابل خلق، خصوصاً در رابطه محلی که کشور چهار آن است، به احساس می‌یابد. حرب برسانی احساس مسئولیت در مقابل خلق و سایر مبارزه آزادی محسن ملی سبب خویش را باجه پوری می‌کند و سبب همکاری با گروههای سیاسی و دموکراتیک و طبسی برصحوه می‌شود. حرب در حالیکه در چهار جوب صحنه دموکراتیک سیاسی و اتحادهای سیاسی دیگر است و تلاش می‌کند با اتحادهای دوخانه با سایر گروههای سیاسی مخالف رژیم صدام دانشه باشد. در همان حال به مبارزه خویش برای تکمیل یک صحنه وسیع سیاسی که همه گروههای مبارز علیه دیکتاتوری و در راه آزادی خلق را در برگیرد، ادامه می‌دهد. در کنار حرب سازمانهای دموکراتیک جوانان و دانش‌آموزان و زنان صفوف خویش را منظم می‌کند و در عرصه مبارزه نظام و جنگه خویش با دوباره بدست می‌آورد. آنها روزنامه و سببهای خویش را منظم می‌کند و صدها روزنامه‌نگار و پرسد مو هرمد از طریق سازمان و سکیلاسی و ارزاه ترک مگری و سیاسی‌شان در مبارزه مداوم هستند. همراه با سبب شدن سوههای مبارزه در خاک سیاسی و پیوسته شدن گروههای سیاسی مخالف حکومت، نشوونهای بنسبایی و هواداری از مبارزه خلق ما در برابر سیاسی موعود و وسعت می‌شود که آخرین آنها کسه سیاسی همکاری با خلق عراقی بود که در ۱۹۸۱/۱۵ در باس سنکسل شد.